

پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن
سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، پیاپی ۴
صص ۵۵-۶۹

صورت بندی‌های حوزه معنایی «روابط زناشویی» در زبان عربی عصر نزول و تحلیل کاربری آن در قرآن کریم

محمد حسن صانعی پور*، محمد حسین شیرزاد**، محمد حسن شیرزاد***

چکیده

معتبرترین اطلاعات زبان‌شناختی نسبت به زبان عربی عصر نزول، از طریق قرآن کریم قابل دستیابی است. لذا در مرحله نخست این پژوهش، مفردات قرآنی متعلق به حوزه معنایی «روابط زناشویی» گردآوری و صورت بندی‌های حاکم بر آنها مورد بررسی قرار گرفت که در نهایت صورت بندی‌های شش‌گانه؛ رابطه مجاورتی، رابطه تماس، رابطه فراگیری، مکان‌انگاری زن، سخن یا کنش ناپسند و [خون] آلودگی استخراج گردید. در مرحله دوم این پژوهش، با توجه به تابوشدگی و قبح معنایی حاکم بر این‌گونه واژگان، کاربری قرآنی مفردات متعلق به حوزه معنایی «روابط زناشویی» محور تحلیل قرار گرفت که طبق آن به استثنای برخی از آیات الاحکام که بستر تقنین و تشریح احکام فقهی بوده و به ناچار نیازمند ورود به جزئیات روابط زناشویی هستند، و نیز آیاتی که دلالت بر این حوزه معنایی در دوره پیش از قرآن دارند؛ اینگونه به دست آمد که در همه موارد، کاربری قرآنی همراه با حسن تعبیر و نزاهت بیانی است.

واژه‌های کلیدی:

زبان قرآن، زبان عربی عصر نزول، روابط زناشویی، واژگان تابو، حسن تعبیر.

۱. طرح مسأله

یکی از بحث‌های جالب توجه در مطالعات «زبان شناسی تاریخی»^۱، مطالعه «صورت بندی‌های ساخت معنا» است. پژوهشگر در این مطالعه که از جنس پژوهش‌های «معناشناسی تاریخی»^۲ است، در پی یافتن چگونگی تولید معانی جدید از طریق معانی پیشین و صورت بندی بکار رفته در ساخت آن‌ها است. برای دستیابی به این هدف، وی می‌بایست واژگان دال بر مفهوم مورد نظر خویش را بر اساس تغییرات معناشناختی که بر آن‌ها عارض گشته، مورد تحلیل قرار داده و با داشتن یک رویکرد «درزمانی»^۳ نسبت به مفهوم مدنظر، رابطه آن با معانی پیشین آن واژگان را مورد توجه قرار دهد.

به این ترتیب وی با مطالعه این تغییرات، علاوه بر دستیابی به فرآیند ساخت معنای مورد نظر، می‌تواند به طرز تلقی کاربران آن زبان نسبت به آن مفهوم نیز که ریشه در طرز اندیشه و فرهنگ آن‌ها دارد، دست یابد. همچنین از آنجا که صورت بندی یک معنا در یک زبان می‌تواند بر اساس طرز فکرهای گوناگون انجام پذیرد، وی می‌بایست بر اساس همسانی‌ها و ناهمسانی‌های موجود در فرآیندهای ساخت آن

مفهوم، به طبقه‌بندی آن‌ها نیز اقدام نماید (رک: پاکتچی، ۱۳۸۹ ش).

بر همین اساس، نگارندگان این سطور نیز تصمیم دارند تا در مرحله نخست این پژوهش، با اتکای بر همین روش، صورت بندی‌های حوزه معنایی «روابط زناشویی» در زبان عربی عصر نزول قرآن کریم را مورد مطالعه قرار دهند. به منظور سامان دادن این مرحله از پژوهش، نخست بایستی به گردآوری واژگانی که در آن مقطع زمانی دلالت بر معنای روابط زناشویی دارند، پردازیم.

سپس بایستی با کمک روش ریشه‌شناختی، تحولات معنایی رخ داده در این واژگان را مورد بررسی قرار دهیم. به این ترتیب، دستیابی به صورت بندی‌های ساخت معنای مورد نظر در عصر نزول قرآن کریم ممکن می‌گردد.

بدون تردید، معتبرترین منبع که اطلاعات زبان شناختی ارزشمندی را نسبت به زبان عربی عصر نزول در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد، قرآن کریم است (ولفسون، بی تا، صص ۱۴۹-۱۵۰ و ۱۸۰).

از همین روی، جهت گردآوری واژگان دال بر این معنا، قرآن کریم را مبنای مطالعه خویش قرار می‌دهیم.

همچنین از آنجا که قرآن کریم دارای بلاغت و فصاحتی بی‌نظیر است، توجه به کاربرد واژگان متنوع - که متعلق به یک حوزه معنایی هستند - در آیات گوناگون، از اهمیت بسزایی برخوردار است. به این ترتیب قطعاً انتخاب یک واژه از میان واژگان متعلق به یک حوزه معنایی و کاربست آن در یک آیه، هدفی ویژه را دنبال می‌کرده است.

۱. زبان‌شناسی تاریخی (Historical Linguistics) علمی است که به مطالعه تغییرات زبان می‌پردازد. این علم از یکسو در پی بازسازی زبان‌های کهن؛ و از سوی دیگر در پی ایجاد ارتباط میان زبان‌هایی است که دارای ریشه مشترک می‌باشند (Palmer, 1976, p12 Campbell, 1998, pp1&4).

۲. معناشناسی تاریخی (Historical Semantics) علمی است که به مطالعه تغییرات در حوزه معنا می‌پردازد (Palmer, 1976, p11).

3. Diachronic Approach

که میان مرد و زن رخ می‌دهد. علی‌رغم وجود تفاوت میان این ارتباط‌ها، می‌توان آن‌ها را در قالب یک فرآیند سه مرحله‌ای لحاظ نمود که کاربران زبان عربی نیز بر اساس هر یک از آن‌ها به سه ساخت متفاوت از معنای روابط زناشویی دست یازیده‌اند.

در مرحله نخست، رابطه میان مرد و زن از طریق نزدیکی آن‌ها به یکدیگر ایجاد می‌گردد. بنابراین در این مرحله، شاهد یک «رابطه مجاورتی» میان مرد و زن هستیم که باعث ساخت مفهوم رابطه زناشویی از معنای «نزدیکی و مجاورت» می‌گردد.

در مرحله دوم، رابطه میان مرد و زن از صیرف مجاورت فراتر رفته و شاهد ایجاد تماس و اتصال میان آن‌ها هستیم. «رابطه تماس» میان مرد و زن نیز موجب ساخت بخشی دیگر از حوزه معنایی روابط زناشویی در زبان عربی گشته است.

در مرحله پایانی این رابطه نیز مرد، زن را به تمامی فراگرفته و او را می‌پوشاند. در این مرحله که شاهد «رابطه فراگیری» میان مرد و زن هستیم، معنای رابطه زناشویی بر اساس معنای «در بر گرفتن» ساخته می‌شود.

به این ترتیب طیفی از معناسازی‌های انجام گرفته پیرامون معنای رابطه زناشویی را می‌توان در قالب نوعی «ارتباط میان زن و شوهر» دسته‌بندی و تبیین نمود که در ادامه هر یک از این موارد را به بحث خواهیم گذارد.

۲-۱-۱. ساخت معنای روابط زناشویی بر اساس رابطه مجاورتی میان مرد و زن

طبیعی است که در وهله نخست، پدیده رابطه زناشویی با نزدیک شدن مرد و زن به یکدیگر آغاز

از همین روی در مرحله دوم از این پژوهش، در پی آنیم که با تکیه بر دستاوردهای مرحله پیشین از سوئی، و با توجه به کاربرد هر یک از واژگان متعلق به این حوزه معنایی در آیات قرآن کریم از سوی دیگر، به تحلیل کاربری هر یک از آن‌ها اقدام نماییم.

۲. صورت بندی‌های حوزه معنایی روابط زناشویی در زبان عربی عصر نزول

در این مرحله از پژوهش تلاش داریم تا با اتکا بر قرآن کریم، واژگانی را که در زبان عربی عصر نزول بر معنای «روابط زناشویی» دلالت دارند، در قالب یک گونه‌بندی معرفی نموده و صورت بندی‌های ساخت آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم.

۲-۱. حوزه معنایی روابط زناشویی بر اساس گونه‌ای از ارتباط میان مرد و زن

پربسامدترین صورت بندی که بارها در زبان عربی برای ساخت معنای «رابطه زناشویی» مورد استفاده قرار گرفته است، به نوعی از ارتباط میان زن و شوهر اشاره دارد. اساساً یکی از اصلی‌ترین و پرکاربردترین معیارهایی که برای ساخت معنای مورد استفاده قرار می‌گیرد، ساخت معنا بر اساس توجه به ماهیت خارجی پدیده مورد نظر است.

پدیده رابطه زناشویی نیز که در عالم واقع، از طریق نوعی ارتباط میان مرد و زن شکل می‌گیرد، طرز تلقی کاربران زبان عربی از این مفهوم را تحت تأثیر قرار داده و منجر به ساخت معنای آن بر همین اساس شده است.

آنچه در صورت بندی این طرز تلقی قابل توجه است، معناسازی بر اساس رابطه‌های گوناگونی است

مرد به همسر خویش به پاکی وی از حیض، به آمیزش آن‌ها با یکدیگر باز می‌گردد؛ نه صرف نزدیکی (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۴۱۸؛ ابوحیان غرناطی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۲۴؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۹۹).

نکته قابل تأمل در آیه مورد بحث، ترکیب «دوری جستن از زنان در دوره حیض» (فَاعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ) است که به معنای نهی از رابطه زناشویی با آنان است (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۲۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۹۸).

به بیان دیگر، این ترکیب در نقطه مقابل «قرب» که به معناسازی رابطه زناشویی بر اساس رابطه مجاورتی میان مرد و زن اشاره داشت، به نهی از رابطه زناشویی با زنان بر اساس قطع رابطه مجاورتی میان آن‌ها پرداخته است.

همچنین در آیه «...وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ...» (نساء: ۳۴)، شاهد ترکیب «دوری جستن از زنان در بسترگاه‌ها» هستیم که مبتنی بر قطع رابطه مجاورتی میان مرد و زن، خواستار عدم رابطه زناشویی با آنان در هنگام نشوزشان است (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۲۵۴؛ مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۷۱؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۸).

به این ترتیب در قرآن کریم شاهد ترکیب‌هایی هستیم که به صورت کنایی، دلالت بر نهی از رابطه زناشویی بر پایه قطع رابطه مجاورتی میان مرد و زن دارند.

می‌گردد. این مجاورت که حکم مقدمه این پدیده را دارد، در معناسازی این مفهوم نیز اثرگذار بوده و موجب صورت بندی آن بر همین اساس، گشته است. ساخت معنای رابطه زناشویی بر اساس این صورت بندی را می‌توان در «قرب» مشاهده نمود. ماده «قرب» که در زبان عربی به معنای «نزدیک شدن» می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۶۲؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۸)، در دیگر شاخه‌های زبان‌های سامی نیز در همین معنا بکار می‌رود (مشکور، ۱۳۵۷ش، ج ۲، صص ۶۸۲-۶۸۳؛ Zammit, 2002, p336).

نکته قابل توجه آن است که در زبان‌هایی چون آشوری، عبری، سبایی و حبشی، شاهد کاربرد این ماده در معنای «نزدیکی نمودن برای آمیزش جنسی» می‌باشیم (Gesenius, 1998, Vol13, p233؛ Hoftijzer, 1995, Vol2, p1029؛ 1939, p897؛ Beeston, 1982, p106؛ Macuch, 1963, p415؛ Leslau, 1991, p440).

این معناسازی که به وضوح، بیانگر طرز تلقی اقوام گوناگون سامی نسبت به این مفهوم است، در زبان عربی نیز قابل مشاهده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۶۳).

در حالی که در آیات فراوانی از قرآن کریم، شاهد کاربرد این ماده در معنای اصلی آن هستیم، کاربرد آن در معنای مورد نظر را تنها می‌توان در آیه «وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ» (بقره: ۲۲۲) مشاهده نمود.

مفسران قرآن کریم نیز در تفسیر این آیه به این نکته توجه داشته‌اند که مشروط نمودن نزدیک گشتن

۲-۱-۲. ساخت معنای روابط زناشویی بر اساس

رابطه تماس میان مرد و زن

با عبور از گام نخست که به رابطه مجاورت میان مرد و زن اشاره داشت، به رابطه تماس و اتصال آن‌ها به یکدیگر می‌رسیم. در این گونه ساخت، معنای رابطه زناشویی بر اساس این واقعیت خارجی که این پدیده جز از طریق برقراری تماس میان زن و مرد رخ نمی‌دهد، ساخته گشته است.

نکته بسیار مهم در این صورت بندی، استفاده مکرر از آن برای ساخت حوزه معنایی رابطه زناشویی است که خود را در سه واژه «مس»، «ملاست» و «مباشرت» نشان می‌دهد. پرواضح است که معنا سازی های مکرر بر اساس این صورت بندی، نشان از یک طرز تلقی ریشه‌دار نزد کاربران زبان عربی عصر نزول نسبت به معنای مورد نظر دارد.

الف) واژه مس

ماده «مس» در زبان‌های سامی چون عبری، آرامی و سبایی به معنای «لمس کردن» می‌باشد (Gesenius, 1939, pp606&607; Jastrow, 1903, Vol2, p858; Beeston, 1982, p87).

این در حالی است که در زبان عربی علاوه بر کاربرد این ماده در معنای فوق، شاهد ساخت معنای «رابطه زناشویی» بر اساس آن نیز هستیم (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۱۰۷).

در آیات بسیاری از قرآن کریم می‌توان کاربرد این ماده در معنای اصلی، و در آیاتی چون «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً...» (بقره: ۲۳۶) نیز می‌توان کار بست آن در

معنای جدیدتر را مشاهده نمود^۱ (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۵۹۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۲۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۸۴؛ ابو حیان غرناطی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۵۲۸).

ب) واژه ملاست

ماده «لمس» که - همچون «مس» - در زبان عربی به معنای «لمس کردن» می‌باشد، بر اثر یک انتقال معنایی در تولید معنای «رابطه زناشویی» بکار گرفته شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۰۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۴۷؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۴، صص ۱۰۳ و ۱۰۴).

در آیه شریفه «... أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا...» (نساء: ۴۳) می‌توان کاربرد این واژه در معنای جدید را مشاهده نمود^۲ (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۲۰۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۸۱؛ مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۷۵).

ج) واژه مباشرت

واژه «بشّر» که در شاخه‌های گوناگون زبان‌های سامی همچون عبری، آرامی، سریانی، سبایی و حبشی به معنای «پوست» و «گوشت» است، برای ساخت معنای دیگری چون انسان، بدن انسان و وابستگی خونی بکار رفته است (Gesenius, 1939, p142; Costaz, 2002, p33; Jastrow, 1903, Vol1, p199).

۱. جهت مشاهده دیگر کاربردهای ماده «مس» در معنای رابطه زناشویی، ر.ک: بقره: ۲۳۷، آل عمران: ۴۷، مریم: ۲۰، احزاب: ۴۹، مجادله: ۳ و ۴.

۲. جهت مشاهده دیگر کاربرد ماده «لمس» در معنای رابطه زناشویی، ر.ک: مائده: ۶.

«پوشاندن» است، در اثر یک انتقال معنایی در ساخت مفهوم رابطه زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۴۲۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰۷؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۴۲۵).

به این ترتیب ساخت حوزه معنایی رابطه زناشویی بر اساس این استعاره که کارکرد مرد در این فرآیند به مثابه امری فراگیرنده و پوشاننده است که زن را به طور کامل دربر گرفته و می‌پوشاند، صورت گرفته است.

در کنار کاربرد این ماده در معنای اصلی خویش در قرآن کریم، تنها در آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ ... فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمَلًا خَفِيًّا» (أعراف: ۱۸۹)، شاهد کاربرد این ماده در معنای مدنظر هستیم (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۴۸۸؛ مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۷۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۸۶).

۲-۲. ساخت معنای روابط زناشویی بر اساس مکان انگاری زن

مسیر دیگری که در زبان عربی عصر نزول قرآن کریم برای ساخت معنای رابطه زناشویی طی شده، بر پایه یک استعاره شکل گرفته است. این استعاره، زن را به مثابه مکانی تصور می‌کند که رابطه زناشویی با وی، به معنای وارد شدن به آن مکان است. از نکات قابل توجه درباره این صورت بندی، استفاده متناوب از آن در ساخت معنای رابطه زناشویی است که به وضوح، طرز اندیشه قوم عرب نسبت به این پدیده را آشکار می‌سازد.

Beeston, 1982, Hoftijzer, 1995, Voll, p204
Jeffery, 1938, p79؛ Leslau, 1991, p110؛ p33.

این واژه در زبان عربی نیز علاوه بر ایفای نقش در ساخت معنای ای چون «انسان»، با ورود به باب مفاعله، در ساخت معنای «رابطه زناشویی» نیز مورد استفاده قرار گرفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۵؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۲۲۱).

به این ترتیب در این معنا سازی، تلقی عرب از رابطه زناشویی بر اساس ایجاد رابطه تماس میان پوست‌های مرد و زن شکل گرفته است.

کاربرد این واژه در معنای مورد نظر در قرآن کریم را تنها می‌توان در آیه شریفه «... فَأَلَانَ بَاشِرُوهُنَّ ... وَ لَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ ...» (بقره: ۱۸۷) مشاهده نمود (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۳؛ مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۶۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۷۱؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۵۷).

۳-۱-۲. ساخت معنای روابط زناشویی بر اساس رابطه فراگیری

ساخت معنای رابطه زناشویی بر پایه رابطه فراگیری، به تلقی ویژه‌ای نسبت به این پدیده اشاره دارد. بر این اساس، رابطه زن و شوهر در هنگام رابطه زناشویی به مثابه رابطه فراگیرنده و فراگیر شونده تلقی می‌گردد. در واقع در ادامه مرحله پیشین که مرد و زن به یکدیگر می‌پیوستند، اینک مرد بر زن غلبه یافته و او را به طور کامل احاطه نموده و می‌پوشاند. ساخت معنای رابطه زناشویی بر اساس این صورت بندی را می‌توان در «تغشی» مشاهده نمود. ماده «غشی» که در زبان عربی به معنای «فراگرفتن» و

۲-۲-۱. واژه ایتیان

ماده «أتی» در شاخه‌های گوناگون زبان‌های سامی به معنای «آمدن» می‌باشد (Gesenius, 1939, p87; Costaz, 2002, p21; Jastrow, 1903, Vol1, p132; Beeston, 1982, p9; Macuch, 1963, pp41&42; Leslau, 1991, pp46&47).

این ماده که در زبان عربی نیز به معنای «آمدن» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۱۳)، مبتنی بر این تلقی که فرآیند رابطه زناشویی با زن به مثابه ورود در یک مکان است، در ساخت معنای «رابطه زناشویی» مورد استفاده قرار گرفته است (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۲۱).

کاربست این ماده در معنای مورد نظر را می‌توان در آیاتی چون «... فَاِذَا تَطَهَّرْنَ فَاْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ اَمَرَكُمُ اللّٰهُ...» (بقره: ۲۲۲)، مشاهده نمود^۱ (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۵۶۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۲۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۶۶؛ ابوحیان غرناطی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۲۵).

۲-۲-۲. واژه دخول

بار دیگر می‌توان ساخت معنای رابطه زناشویی بر اساس مکان انگاری زن را در ماده «دخل» پیگیری نمود. این ماده که در زبان عربی به معنای «وارد شدن» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۲۳۹)، در اثر یک انتقال معنایی، در ساخت معنای رابطه

۱. جهت مشاهده دیگر کاربردهای ماده «أتی» در معنای رابطه زناشویی، رک: بقره: ۲۲۳، اعراف: ۸۱، شعراء: ۱۶۵، نمل: ۵۵، عنکبوت: ۲۹.

زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰۹).

علی‌رغم کاربرد بسیار این ماده در معنای اصلی خویش در قرآن کریم، تنها در آیه شریفه «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ اُمَّهَاتُكُمْ... وَرَبَائِكُمْ اللّٰتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللّٰتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَاِنْ لَمْ تَكُونُوْا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ...» (نساء: ۲۳)، می‌توان کاربرد آن در معنای مورد بحث را ملاحظه نمود (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۶۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۹۶).

۲-۳. ساخت معنای روابط زناشویی بر اساس

سخن یا کنش ناپسند

ساخت مفهوم رابطه زناشویی بر اساس این صورت بندی را می‌توان در واژه «رفت» مشاهده نمود. این واژه که در زبان‌های عبری و سریانی به معنای «چرک، آلودگی و قذارت» است (مشکور، ۱۳۵۷ش، ج ۱، ص ۳۰۰؛ Zammit, 2002, p196; Gesenius, 1939, p952).

بر اساس یک معناسازی در زبان عربی، بر سخن و کنشی اطلاق می‌گردد که به صورت زشت و زننده مرتبط با پدیده «رابطه زناشویی» است (Gesenius, 1939, p952; راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، صص ۳۵۹ و ۳۶۰).

البته برخی از لغت‌شناسان نیز این واژه را به معنای مطلق سخن زشت و ناپسند - چه مرتبط با رابطه زناشویی باشد و چه نباشد - می‌دانند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۲۱؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۰۵؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۵۷).

به این ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت که این واژه - برخلاف دیگر واژگان متعلق به این حوزه

می‌شود که مصداق آن، خونی است که بر اثر ازاله بکارت جاری می‌گردد (Zammit, 2002, p272).

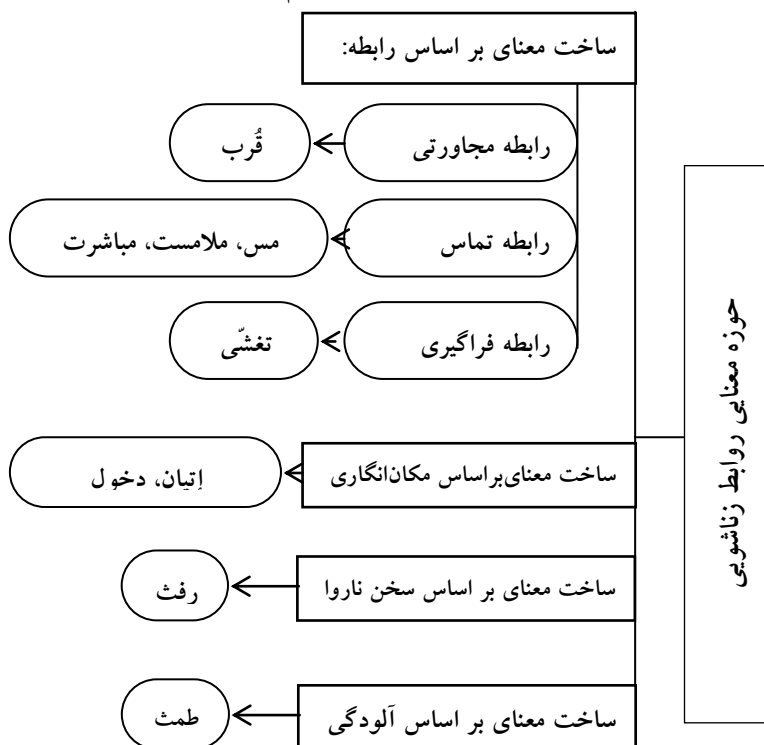
به نحوی که برخی از واژه‌شناسان بدین نتیجه رسیده‌اند که ریشه «طمث» زمانی در حوزه معنایی روابط زناشویی جای می‌گیرد که «خون آلودگی» در آن رخ دهد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۱۱۵).

کاربرد این ماده در معنای رابطه زناشویی را می‌توان در آیه «فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْنَهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن: ۵۶) مشاهده نمود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۱۵؛ مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۲۰۴؛ نیشابوری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۹۰).

بر اساس این آیه، بهشتیان از زنانی برخوردار خواهند بود که پیش از ازدواج با ایشان، با هیچ فرد دیگری آمیزش ننموده و در نتیجه بکارت خود را حفظ کرده‌اند.

جدول ۱: صورت بندی‌های ساخت معنای رابطه زناشویی

در عربی عصر نزول قرآن کریم



معنایی - نسبت به مؤلفه معنایی «قبیح بودن» نشاندار بوده و حاوی یک ارزش‌گذاری منفی نسبت به پدیده رابطه زناشویی می‌باشد.

کاربرد این واژه در معنای مورد نظر را می‌توان در آیه «أَجِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ...» (بقره: ۱۸۷) مشاهده نمود^۱ (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۲؛ مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۶۴؛ ابوحيان غرناطی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۱۱، ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۵۶ و ۲۵۷).

۲-۴. ساخت معنای روابط زناشویی بر اساس [خون] آلودگی

ساخت معنای «رابطه زناشویی» بر اساس معنای «خون آلودگی» و سپس خلاصه‌شدگی و کاهش معنایی آن به معنای «آلودگی»، مسیر دیگری است که برای شکل‌گیری این مفهوم در زبان عربی طی شده است. نمونه این صورت بندی را می‌توان در ماده «طمث» مشاهده نمود.

این ماده در زبان‌های عبری، آرامی و سریانی به معنای «آلوده بودن و کثیف بودن» است (Gesenius, Jastrow, 1903, Vol1, 1939, pp379&380; Costaz, 2002, p128; pp538&539).

نکته قابل توجه در زبان عبری، کاربرد این ماده در معنای «آلوده شدن بر اثر عملیات جنسی» است. در زبان عربی نیز شاهد انتقال معنایی از معنای پیشین به معنای «رابطه زناشویی» هستیم. مبتنی بر این طرز فکر، «رابطه زناشویی» موجب آلوده نمودن زن قلمداد

۱. جهت مشاهده دیگر کاربرد ماده «رفث» در معنای رابطه زناشویی، رک: بقره: ۱۹۷.

۳. تحلیل کاربرد واژگان متعلق به حوزه معنایی روابط زناشویی در قرآن کریم

در این مرحله از پژوهش، در پی آنیم که با تکیه بر دستاوردهای مرحله پیشین از سویی، و با توجه به کاربرد هر یک از واژگان متعلق به این حوزه معنایی در آیات قرآن کریم از سوی دیگر، به تحلیل کاربری آن‌ها بپردازیم.

البته شایان ذکر است که دستیابی به این هدف در مطالعه این حوزه معنایی و دیگر حوزه‌های معنایی مشابه، مستلزم توجه به مبحث «واژگان تابو» است که در پژوهش‌های زبان‌شناسی تاریخی مورد توجه قرار گرفته است.

۱-۳. واژگان تابو

«واژگان تابو»^۱ که در همه زبان‌ها یافت می‌شوند، واژگانی هستند که دلالت بر معانی ناخوشایند، زشت و حتی بی‌ادبانه دارند. از همین روی است که همواره کاربران زبان علاقه‌ای به استفاده از این واژگان ندارند. اما از آنجا که گاه کاربرد این واژگان امری اجتناب‌ناپذیر است، مهمترین راهکار برای دلالت بر آن معانی، جایگزین نمودن واژگان تابو با واژگان جدیدی است که از نوعی حُسن تعبیر برخوردارند.

استفاده از واژگان جدید تا مدت زمانی می‌تواند راه حل مناسبی برای پرهیز از کاربرد واژگان تابو باشد. اما نکته جالب توجه آن است که پس از گذشت زمان، این واژگان جدید نیز خود به واژگان تابو بدل می‌گردند.

بنابراین بار دیگر کاربران زبان در پی جایگزینی آن واژه با واژه‌ای دیگر برمی‌آیند. پیامد چنین چرخه

دائمی، شکل‌گیری زنجیره‌ای از واژگان است که پس از تابو شدن جایگزین یکدیگر شده‌اند (Campbell, Palmer, 1976, Hock, 1991, p293؛ 1998, p264). (p12)

به این ترتیب آنچه در جابجایی واژگان تابو رخ می‌دهد، تغییرات واژگانی - و نه لزوماً معنایی - است. به بیان دیگر واژگان تابو لزوماً دارای تفاوت‌های معنایی با یکدیگر نیستند؛ بلکه تعدد این واژگان تنها به تابو شدن هر یک از آن‌ها پس از مدتی از کاربرد آن‌ها بازمی‌گردد. هرچند که در برخی از موارد، می‌توان شاهد تفاوت‌های معنایی - هرچند جزئی - در میان واژگان متعلق به یک حوزه معنایی تابو نیز بود (Campbell, 1998, p264).

بدون شک می‌توان حوزه معنایی «روابط زناشویی» را نیز یکی از حوزه‌های معنایی تابو قلمداد نمود. بنابراین پژوهشگری که خواستار دستیابی به تفاوت‌های معنایی میان واژگان این حوزه معنایی و تحلیل کاربری آن‌ها است، بایستی توجه داشته باشد که از آنجا که این حوزه معنایی جزء تابوهای یک زبان است، وجود واژگان متعدد و متنوع لزوماً بیانگر وجود تفاوت‌های معنایی میان آن‌ها نیست؛ بلکه ریشه در تابو شدن آن‌ها دارد.

این در حالی است که در حوزه‌های معنایی غیر تابو همچون حوزه معنایی علم، پرداخت مالی، معاملات اقتصادی و صدها حوزه معنایی دیگر کاملاً می‌توان انتظار وجود تفاوت‌های معنایی میان واژگان متعلق به این حوزه‌های معنایی را داشت. به بیان دیگر تعدد واژگان در این حوزه‌های معنایی، به وضوح ملازم با تفاوت‌های معنایی میان آن‌ها نیز می‌باشد. در واقع هر یک از این واژگان، به بخشی از حوزه معنایی

جنوبی حاشیه‌ای - قابل مشاهده است (ر.ک: ۲-۱-۱).

این اطلاعات ریشه‌شناختی به وضوح دلالت بر قدمت و کهنگی این معناسازی دارد. مبتنی بر بحث «واژگان تابو»، هرچه یک واژه در مدت زمان بیشتری بر یک معنای تابو دلالت کند، انتظار کنار گذاشتن آن در دوره‌های بعدی توسط کاربران زبانی بیشتر خواهد شد. از همین روی است که تنها یک بار - و آن هم در سیاق پرسش از احکام حیض - شاهد استفاده از این ماده در معنای «رابطه زناشویی» در قرآن کریم هستیم.

۲-۲-۳. تحلیل کاربری واژگان «مس»، «ملاست» و «مباشرت»

ساخت معنای رابطه زناشویی بر اساس «رابطه تماس» را می‌توان در سه واژه «مس»، «ملاست» و «مباشرت» مشاهده نمود. نکته قابل توجه در این صورت بندی، تفاوت در فراوانی کاربرد هر یک از این سه واژه در قرآن کریم است. در حالی که «مباشرت» و «ملاست» در معنای رابطه زناشویی به ترتیب تنها در یک (بقره: ۱۸۷) و دو آیه (نساء: ۴۳، مائده: ۶) بکار رفته‌اند، شاهد کاربرد «مس» در هفت آیه از قرآن کریم هستیم.

تفاوت در فراوانی کاربرد این واژگان، از آن جهت در تحلیل کاربری آن‌ها حائز اهمیت است که می‌تواند میزان تابو شدن این واژگان در میان کاربران زبان عربی عصر نزول را نشان دهد.

این نکته ریشه در این حقیقت دارد که کاربران زبان تمایلی به استفاده از واژگان تابو نداشته و پیوسته

خویش ارجاع می‌دهند و وظیفه پژوهشگر قرآنی نیز تحلیل کاربری و مشخص نمودن حد و مرز هر یک از آن‌ها است.

۲-۳. تحلیل کاربردهای قرآنی

اینک برآنیم که به تحلیل کاربری واژگان متعلق به حوزه معنایی رابطه زناشویی در آیات قرآن کریم بپردازیم. در در این مرحله از پژوهش، مفردات قرآنی حوزه معنایی «روابط زناشویی» بر پایه: (۱) توجه به ریشه‌شناسی واژگان متعلق به این حوزه معنایی که در مرحله نخست این پژوهش گذشت، (۲) توجه به مبحث «واژگان تابو» و میزان تابوشدگی هر یک از این واژگان، (۳) توجه به فراوانی کاربرد هر یک از این واژگان در آیات قرآنی و (۴) توجه به بافت متنی و سیاق حاکم بر آیات، تحلیل کاربری می‌شوند.

نکته قابل توجه آن که تحلیل کاربری بر پایه تنها یکی از این ملاک‌ها می‌تواند منجر به اشتباهات فاحشی گردد. به عنوان نمونه قلت کاربرد یکی از واژگان نمی‌تواند دلیلی بر تابو بودن و در نتیجه کنار گذاشتن آن توسط کاربران زبانی باشد؛ زیرا چه بسا قلت کاربرد، ریشه در جدید بودن آن معناسازی داشته باشد. از همین روی سعی می‌گردد تا در این پژوهش تحلیل کاربری این واژگان، بر پایه مجموعه‌ای از این ملاک‌ها سامان یابد.

۱-۲-۳. تحلیل کاربری ماده «قرب»

چنانچه گذشت، ساخت معنای رابطه زناشویی بر اساس «رابطه مجاورتی» در ماده «قرب»، رخدادی است که در تمامی شاخه‌های زبان‌های سامی - اعم از شمالی حاشیه‌ای، شمالی مرکزی، جنوبی مرکزی و

همزمان با کاربرد واژه «مس» است که بافت متنی آن اقتضای استفاده از واژگان تابو را ندارد.

۳-۲-۳. تحلیل کاربری واژه «تغشی»

همانگونه که گذشت، ساخت معنای رابطه زناشویی بر اساس رابطه فراگیری تنها در مفرد قرآنی «تغشی» در آیه شریفه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف: ۱۸۹) قابل مشاهده است.

نکته قابل توجه درباره این واژه آن است که برخلاف واژگان پیشین که در سیاق آیات فقهی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، این واژه در سیاقی معرفتی بکار رفته است. به نظر می‌رسد که عامل دیگری که انتخاب این واژه را در مقایسه با دیگر واژگان موجب گشته، باهم‌آیی این واژه با ماده «سکونت» است.

پس واضح است که رابطه «فراگیری میان مرد و زن» بیش از هر صورت بندی دیگری، با سکونت و آرام گرفتن مرد در کنار زن هماهنگی دارد. بنابراین در این آیه شریفه، شاهد اوج حسن تعبیر و زیباسازی روابط زناشویی در بستری دینی - قرآنی هستیم.

۴-۲-۳. تحلیل کاربری واژگان «إتيان» و «دخول»

ساخت معنای رابطه زناشویی بر اساس مکان‌انگاری زن در دو ماده «دخول» و «آتی» به وقوع پیوسته است. در حالی که کاربرد ماده «دخول» در معنای مورد نظر تنها در یک آیه انجام گرفته است، شاهد شش بار کاربرد ماده «آتی» در این معنا هستیم.

خواستار جایگزینی آن‌ها با واژگان جدیدی هستند که از حُسن تعبیر برخوردارند.

مبنتی بر آنچه گذشت، کثرت استفاده از ماده «مس» در قرآن کریم نشانه جدید بودن این معناسازی و حُسن تعبیر آن است. همچنین نکته دیگری که بیانگر حُسن تعبیر این ماده در زبان عربی عصر نزول است، همانا کاربرد آن در دو آیه «قَالَتْ رَبِّ انِّي يَكُونُ لِي وَكَلْدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشْرٌ...» (آل عمران: ۴۷) و «قَالَتْ انِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشْرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا» (مریم: ۲۰) می‌باشد.

پس واضح است که از آنجا که قرآن کریم تأکید بسیاری بر عفت و پاکدامنی حضرت مریم (س) دارد، از واژه‌ای برای دلالت بر معنای رابطه زناشویی استفاده می‌نماید که نسبت به دیگر واژگان موجود در این حوزه معنایی، از حُسن تعبیر بیشتری برخوردار باشد.

بایستی توجه داشت که قَلت کاربرد دو واژه «ملاست» و «مباشرت» در معنای رابطه زناشویی، ریشه در دو دلیل جداگانه دارد. از یکسو قَلت استفاده از واژه «مباشرت» به تابو شدن آن در میان کاربران زبان عربی عصر نزول باز می‌گردد. دلیل این نکته را می‌توان در باهم‌آیی این واژه با واژه «رفث» جستجو نمود که تفصیل آن ذیل بحث تحلیل کاربری واژه «رفث» خواهد آمد.

از سوی دیگر قَلت کاربرد واژه «ملاست»، به جدید بودن ساخت آن در معنای رابطه زناشویی بازمی‌گردد. آنچه جدید بودن ساخت این واژه در معنای مورد بحث را تقویت می‌نماید، کاربری این واژه در دو سوره مدنی «نساء: ۴۳» و «مائده: ۶» و

هستیم. مبتنی بر اطلاعات ریشه‌شناختی که در مرحله نخست از این پژوهش گذشت (رک ۲-۳)، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این واژه مشتمل بر مؤلفه معنایی «قیح بودن» است. بنابراین هرگاه که این واژه برای دلالت به معنای مدنظر بکار می‌رود، به همراه خویش نوعی ارزش‌داوری منفی نسبت به این پدیده را نیز دربردارد. به بیان دیگر این واژه علاوه بر انتقال معنای مرکزی «رابطه زناشویی»، دلالت بر معنای پیرامونی «زشت و قبیح بودن» نیز دارد.

کاربردهای این واژه در قرآن کریم نیز به وضوح اطلاعات ریشه‌شناختی را تأیید می‌نماید. در آیه «الْحَجُّ أَشْهَرُ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (بقره: ۱۹۷) شاهد باهم‌آیی واژه «رفث» با واژگان «فسوق» و «جدال» هستیم. از آنجا که «فسوق» و «جدال» در معنای مرکزی خویش، دارای معنای «زشت و قبیح بودن» هستند، از واژه رفث نیز که دارای معنای پیرامونی «زشت و قبیح بودن» است، استفاده شده است.

به این ترتیب کاربرد دیگر واژگان این حوزه معنایی در کنار دو واژه «فسوق» و «جدال»، تناسب و هماهنگی میان امور تحریم شده در این آیه را برهم می‌زد.

همچنین کاربرد واژه رفث در آیه شریفه «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ» (بقره: ۱۸۷) نیز حاوی نکات مهمی است. همانگونه که مفسران قرآن کریم نیز بیان نموده‌اند، رابطه زناشویی با زنان در شب‌های ماه مبارک رمضان تحریم شده بود. اما از آنجا که عموم مسلمانان دچار مشقت و تکلف شده و برخی از آنان نیز دچار لغزش گردیدند، خداوند

نکته قابل توجه نسبت به تفاوت میان فراوانی کاربرد این دو ماده آن است که نبایستی قلت کاربرد ماده «دخل» را به معنای دور شدن آن از حُسن تعبیر و تبدیل شدن به واژه تابو دانست. بلکه این قلت، به جدید بودن ساخت معنای رابطه زناشویی از این ماده بازمی‌گردد.

کاربرد این ماده در سوره مدنی «نساء» که از لحاظ زمانی پس از کاربردهای ماده «أتی» - در سور مکی و سوره بقره - انجام گرفته است، مؤید همین نکته است.

از سوی دیگر کثرت کاربرد ماده «أتی» نمی‌تواند به عنوان نشانه‌ای بر حُسن تعبیر آن نزد کاربران زبان عربی عصر نزول باشد. توجه به بافت آیاتی که این ماده در آن‌ها بکار رفته، گویای همین مطلب است. چهار کاربرد از شش کاربرد این واژه، در سیاق آیات مرتبط با قوم لوط و گناه بزرگ آنان است. پرواضح است که یادکرد خداوند از گناه بزرگ آنان، مناسبت با استفاده از یک واژه تابو برای اشاره به شدت زشتی و قُبْح گناه ایشان دارد. دو کاربرد دیگر این واژه نیز در باهم‌آیی با ماده «قرب» که خود واژه‌ای تابو است، مؤیدی بر همین مطلب است.

از همین روی کاربران زبان عربی بر آن آمدند تا با طرز فکری مشابه به ساخت دوباره معنای رابطه زناشویی بر اساس مکان انگاری زن، ولی این بار با ماده‌ای جدید (دخل) اقدام نمایند.

۳-۲-۵. تحلیل کاربری واژه «رفث»

در واژه «رفث» شاهد ساخت معنای رابطه زناشویی بر اساس معنای «سخن یا کنش ناپسند»

بهشت، هیچ ارتباط جنسی میان آن‌ها با انسان و جن نبوده و در نتیجه بکارت خویش را حفظ کرده‌اند.

باکره بودن زنان بهشتی، ویژگی ممتازی است که در آیات دیگری همچون «فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَاراً» (واقعه: ۳۶) نیز به وضوح قابل مشاهده است. چه بسا آیاتی همچون «وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ» (بقره: ۲۵) نیز که دلالت بر پاکیزه بودن زنان بهشتی دارد، به عدم آلودگی آنان بر اثر جریان خون ناشی از ازاله بکارت اشاره داشته باشد.

نتیجه‌گیری

مرحله نخست این نوشتار در پی مطالعه صورت بندی‌های ساخت معنای «رابطه زناشویی» در زبان عربی عصر نزول قرآن کریم بود. برای تحقق این هدف، ابتدا واژگانی که برای دلالت بدین معنا مورد استفاده کاربران آن دوره زمانی قرار می‌گرفتند، گردآوری شده و سپس صورت بندی ساخت آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفت.

بدین منظور، قرآن کریم که به عنوان معتبرترین منبع زبان شناختی نسبت به زبان عربی عصر نزول شناخته می‌شود، مبنای این مطالعه قرار گرفت و از تحلیل ۹ مورد مفرد قرآنی متعلق به حوزه معنایی روابط زناشویی؛ «قرب»، «مس»، «ملاست»، «مباشرت»، «تغشی»، «إتیان»، «دخول»، «رفث» و «طمث»، صورت بندی ششگانه‌ای مشتمل بر رابطه؛ مجاورتی، تماس و فراگیری میان زن و مرد، مکان‌انگاری زن، سخن و کنش ناپسند و نهایتاً [خون] آلودگی استخراج شد.

در مرحله دوم، مفردات قرآنی مذکور بر پایه توجه به اطلاعات ریشه‌شناختی، توجه به مبحث

متعال با نزول این آیه در صدد تحلیل رابطه زناشویی با زنان در شب‌های ماه مبارک رمضان بوده است.

با توجه به داده‌های ریشه‌شناختی واژه «رفث» از سویی و توجه به شأن نزول آیه و عبارت «عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ» (بقره: ۱۸۷) از سوی دیگر می‌توان گفت که هرچند این حکم الهی در مقام دادن تخفیف به مسلمانان بوده است، اما عمل کردن به مقتضای تحریم اولیه - که همانا عدم رابطه زناشویی با زنان در شب‌های ماه رمضان است - بیشتر مورد رضایت الهی است.

به بیان دیگر علت گزینش واژه «رفث» از میان دیگر واژگان متعلق به این حوزه معنایی، ریشه در وجود ارزش داوری منفی در بافت متنی این آیه نسبت به رابطه زناشویی دارد. در نتیجه هماهنگی چشم‌گیری میان این واژه با بافت آیه به چشم می‌خورد.

۳-۲-۶. تحلیل کاربری ماده «طمث»

در ماده «طمث» شاهد ساخت معنای رابطه زناشویی براساس معنای «خون آلودگی» هستیم. مبتنی بر اطلاعات ریشه‌شناختی، این واژه دلالت بر نوع خاصی از رابطه زناشویی دارد. در واقع «طمث» بر نخستین رابطه زناشویی زن و مرد اطلاق می‌گردد که به واسطه آن، بکارت زن ازاله شده و بر اثر جاری شدن خون، آلوده می‌گردد.

کاربرد این واژه در بافت آیات مرتبط با زنان بهشتی نیز همین معنا را تأیید می‌نماید. عبارت «لَمْ يَطْمِئِنُّنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» (الرحمان: ۵۶ و ۷۴) حکایت از آن دارد که پیش از تزویج این زنان با اهل

زبان پژوهی، سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.

۸- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، *الصحاح*، به تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.

۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، به تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم.

۱۰- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی.

۱۱- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

۱۲- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش)، *جوامع الجامع*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.

۱۳- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.

۱۴- طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، به تحقیق سید احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی.

۱۵- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، به تحقیق احمد قصیرعاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۶- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۷- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم: انتشارات هجرت.

۱۸- فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، *المصباح المنیر*، بیروت: المکتبه العلمیه.

«واژگان تابو» و میزان تابو شدگی هر یک از واژگان، توجه به فراوانی کاربرد هر یک از این واژگان در آیات قرآنی و در نهایت توجه به بافت متنی و سیاق حاکم بر آیات مورد تحلیل قرار گرفتند. نتیجه حاصل از این تحلیل نشان از حسن تعبیر و نزاهت قرآن کریم در کاربری مفردات متعلق به حوزه معنایی «روابط زناشویی» دارد که با توجه به تابو شدگی و قبح معنایی این گونه واژگان در فحوای کلام عامه مردم، کاربری زبانی قرآن در این زمینه منحصر بفرد و به عنوان الگو و اسوه حسنه قابل طرح است.

منابع

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، به تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۳- ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق)، *معجم مقاییس اللغه*، به تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالفکر.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- ۵- ابو عبیده، معمر بن مثنی (۱۳۸۱ق)، *مجاز القرآن*، به تحقیق محمد فواد سزگین، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ۶- ابو حیان غرناطی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحیط فی التفسیر*، به تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر.
- ۷- پاکتچی، احمد (۱۳۸۹ش)، «فرآیند معنا سازی مشرق و مغرب: گونه‌های صورت بندی»، *مجله*

- 27- Gelb & Landsberger & Oppenheim & Reiner (1998), *The Assyrian Dictionary*, Chicago: Oriental Institute of Chicago University.
- 28- Gesenius, William (1939), *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, ed. F.A. Brown, Oxford.
- 29- Hock, Hans Henrich (1991), *Principles of Historical Linguistics*, Berlin & New York: Mouton de Gruyter.
- 30- Hoftijzer, J. & Jongeling, K. (1995), *Dictionary of the North-West Semitic Inscriptions*, Leiden: Brill.
- 31- Jastrow, Marcus (1903), *A Dictionary of the Targumim*, London/New York.
- 32- Jeffery, Arthur (1938), *The Foreign Vocabulary of the Quran*, Oriental Institute: Baroda.
- 33- Leslau, Wolf (1991), *Comparative Dictionary of Geez*, Otto Harrassowitz weisbaden.
- 34- Macuch .R & Drower. E.S (1963), *A Mandaic Dictionary*, Oxford Press.
- 35- Palmer.F.R (1976), *Semantics: A New Outline*, Cambridge: Cambridge University Press.
- 36- Zammit, Martin (2002), *A Comparative Lexical Study of Quranic Arabic*, Leiden: Brill.
- ۱۹- مشکور، محمد جواد (۱۳۵۷ش)، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۰- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۱- مقاتل، ابن سلیمان (۱۴۲۳ق)، التفسیر، به تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲۲- نیشابوری، محمود بن ابوالحسن (۱۴۱۵ق)، إيجاز البيان عن معانی القرآن، به تحقیق حنیف بن حسن القاسمی، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- ۲۳- ولفنسون، ابو ذؤیب (بی تا)، تاریخ اللغات السامیه، بیروت: دار القلم.
- 24- Beeston & Ghul & Muller & Ryckmans (1982), *Sabaic Dictionary*, University of Sanaa.
- 25- Campbell, Lyle (1998), *Historical Linguistics*, Cambridge, Massachusetts: The MIT Press.
- 26- Costaz, Louis (2002), *Dictionarie Syriaque-Francais/Syriac-English Dictionary*, Beirut: Dar El-Machreq.